

بررسی بیستمین دوره رقابت‌های لیگ بر تر فوتبال در گفت‌وگوی «جوان» با جلال چراغپور

قبل از شروع فصل، تیم‌های بالای جدول معلوم هستند!

بازیکن خارجی شمشیر دولبه است

گفت‌وگو
شیرانوروزی
 پرسپولیس با کسب پنجمین قهرمانی متوالی همچنان رقیبی در فوتبال ایران ندارد. رقابت‌های این فصل نیز بدون حضور تماشاگران و با محدودیت‌های کرونایی برگزار شد و خبری از تغییر و تحول در لیگ نبود؛ بازی‌های بی‌کیفیت، اعتراضات شدید به داوری، تهمت‌ها، توهین‌ها، درگیری‌های لفظی و فیزیکی، صدور بیانیه و شکایت‌های مختلف، سوءمدیریت و بی‌پولی همچنان در لیگ برتر حرف اول را می‌زد. برای بررسی اتفاقات فنی و غیرفنی این فصل پای صحبت‌های جلال چراغپور کارشناس فوتبال نشستیم.

در این فصل از رقابت‌های لیگ برتر بازیکنان تأثیرگذاری بیشتری داشتند یا مربیان؟

در شروع صحبت باید بگویم قصد زیر سؤال بردن و بی‌اهمیت جلوه دادن تلاش مربیان موفق لیگ را نداریم، بلکه وضعیت لیگ را از نظر کمی و کیفی بررسی می‌کنیم. ۱۶ تیم لیگ برتری داریم، نزدیک به نیمی از فوتبالیست‌های شاغل جزو بازیکنان تعیین‌کننده محسوب نمی‌شوند و در حقیقت فقط لیست تیم‌ها را پر می‌کنند. در مجموع میانگین بازی‌هایشان در پایان فصل شاید به ۲۰۰ دقیقه برسد، نه تنها تأثیرگذاری ندارند بلکه به عنوان بازیکن تعویضی تعیین‌کننده نیستند. این دست از بازیکنان تقریباً هر سال در لیگ حضور دارند. می‌ماند تیم دیگری از بازیکنان؛ از بین آنها نیز ۷۵ درصدشان اگرچه در ترکیب حضور دارند و بازی می‌کنند ولی باز هم تأثیرگذار محسوب نمی‌شوند. این شامل همه پست‌ها می‌شود، این دست از فوتبالیست‌ها سرنوشت تیمشان را تعیین نمی‌کنند. ۲۵ درصد باقی‌مانده بازیکنان تأثیرگذار لیگ هستند. تعداد کل این دست از بازیکنان شاید به ۴۰ نفر برسد! کارزیمای تیم ملی، مالی، سایر بازیکنان و خود تیم، بازیکنان تأثیرگذار را برای عقد قرارداد مجاب می‌کند. این از خواص لیگ ایران است.

یعنی قبل از شروع فصل می‌توان تیم‌های بالای جدول را حدس زد؟

بله، تیم‌ها اگر چند فاکتور لازم را داشته باشند می‌توانند از بین این ۴۰ نفر بازیکن بیشتری را در اختیار بگیرند. قبل از شروع فصل می‌توان حدس زد که جزو چهار تیم اول لیگ خواهند بود یا نه. هر تیمی که دستش به این ۴۰ بازیکن نرسد یا این بازیکنان تمایل به همکاری با آن نداشته باشند، این تیم پله پله در لیگ پایین خواهد رفت و حتی می‌توان پیش‌بینی کرد که فلان تیم کاندیدای سقوط است. به این ترتیب

گزارش



یک جریان خزنده زیر پوست فوتبال ما وجود دارد و این جریان شناسایی شده است. منتها باید با آن برخورد شود. اگر باین جریان برخورد نشود، اوضاع بدتر از این خواهد شد، اعتراضات و هجمه‌ها افزایش پیدا خواهد کرد

قبل از شروع بازی‌ها با نگاه کردن به لیست تیم‌ها، چهار تیم اول و چهار تیم پایانی جدول مشخص هستند. لیگ ما یک تفاوت مهم با دیگر لیگ‌های آسیایی دارد. لیگ ایران لیگ بسته‌ای دارد و اگر با همان ۴۰ بازیکن تأثیرگذار نتوانیم به هدفمان برسیم، دیگر کاری نمی‌شود کرد. در این لیگ بسته اندازه فوتبال و فوتبالیست در دسترس ثابت است و سواد مربیان در یک حد است؛ چراکه همه یک جا آموزش دیدند آن هم با مدرسان یکسان و ثابت. با در نظر گرفتن همه این موارد به این نتیجه می‌رسیم که نتایج در لیگ برتر ما به گرفتن همان اندک بازیکنان تأثیرگذار بستگی دارد. مثلاً در نیم‌فصل پرسپولیس مغالو، پهلوان، سرلک و ترابی را خرید، اگر همین چهار خرید را در اختیار تیم ماشین‌سازی می‌گذاشتید، قطعاً سقوط نمی‌کرد.

بسته و محدود بودن لیگ برتر چه تأثیری روی عملکرد مربیان دارد؟

بسته بودن لیگ فوتبال را نمی‌توان مخفی کرد ولی باز هم نمی‌توان نتایج درخشان بچی گل‌محمدی را زیر سؤال برد. منتها به یک نکته مهم توجه داشته باشید که کاندووم هم با شش ماه حضور در پرسپولیس قهرمان شد و برانکو هم قهرمانی را تجربه کرد؛ چراکه مهره‌های نابی در اختیارشان بود. چندین سال پیش با همین مکانیسم استقلال قهرمان شد، امیرقلعه‌نویی در بازار خوب خرید می‌کرد، توان مالی باشگاه بالا



بود، مدیریت ثابت بود و بازیکنان با خیال راحت قرارداد می‌نستند.

ورود بازیکن خارجی به لیگ برتر دوباره آزاد شد. با آمدن خارجی‌های جدید می‌توان به تغییر سطح فنی بازی‌ها امیدوار بود؟

بازیکن خارجی شمشیر دولبه است. شهپاززاده آقای گل امسال فوتبال ما ایرانی است، اما سال‌های قبل یک بار شیخ دیاباته، یک بار هم شیمبا و یک بار هم کی‌روش استثنای آقای گل شدند. در این فصل که ورود بازیکن خارجی ممنوع بود، فوتبالیست وطنی عنوان آقای گلی را به دست آورد. از آنجا که لیگ ما کوچک است، اگر پست‌های حیاتی را در اختیار بازیکنان خارجی قرار دهیم جای رشد داخلی‌ها را می‌گیرند. از آن طرف اگر خارجی‌ها نباشند، بازی‌ها یکنواخت می‌شود و بازیکن کلاس بالا و درجه یک تولید نخواهد شد. به همین خاطر باید یک هیست ویژه برای آوردن بازیکن خارجی وجود داشته باشد، درست همان جوری که ژاپنی‌ها عمل کردند. آنها گری لینکر انگلیسی را برای تیم ناگویا آوردند. نه اینکه یک فوتبالیست را از آفریقا بیاورید که بیمار باشد. داروی درست، راه‌حل بیماری است. راه‌حل برخی از بیماری‌های لیگ برتر بازیکن خارجی است. فوتبالیست خارجی را اگر دلال‌ها و ایجنت‌ها بیاورند عامل بدبختی می‌شود ولی

از تبانی تادآوری‌های پر حرف و حدیث و نیمکت‌های متزلزل

فصلی پر حاشیه با نقاط تاریک بسیار



جدول و رده نهم لیگ را به پایان برساند و نویدکیا نیز با نمایشی درخشان تا دقایق آخر پرسپولیس را برای قهرمانی تعقیب کرد و دست آخر به نائب‌قهرمانی در لیگ رضایت داده عنوانی که برای مربی تازه‌کاری چون نویدکیا شاهکاری قابل قبول و ستایش است و برای فوتبال ایران نوید آینده‌ای روشن برای این مربی جوان. البته لیگ امسال علاوه بر مربی‌اولی‌ها مربیان جوان و موفق دیگری را هم در خود جای داده بود که مجیدی در استقلال، تاراتر در پیکان، نگونام خود فولاد از جمله آنها بودند که هر سه نیز نتایج قابل قبولی گرفتند. خصوصاً مجیدی که استقلال را با مشکلات بسیار صاحب خانه سوم جدول و سهمیه لیگ قهرمانان کرد. هرچند که نبرد این تیم در جام حذفی همچنان ادامه دارد.

پیشی گرفتن از کشورهای عربی

یکی از اتفاقات تأسفبار لیگ بیستم ام‌بی‌شک تغییرات بر تعداد در رأس کادر فنی تیم‌های لیگ برتری بود. به طوری که تا پایان هفته هجدهم رقابت‌های لیگ برتر ۲۸ مربی روی نیمکت تیم‌های لیگ

اگر همان ایجت به دستور کمیته‌های ویژه پس از بررسی برای آوردن بازیکن وارد عمل شود، شرایط دیگری رقم خواهد خورد.

پرسپولیس بعد از قهرمانی پنجم می‌تواند به ششمین قهرمانی متوالی بپیوندد؟

پرسپولیس به خاطر داشتن شرایط متفاوت و مدیریت ثابت به پنجمین قهرمانی متوالی دست یافت. این مسئله در لیگ تأثیری ندارد ولی ممکن است بتواند کلاس پرسپولیس را بالا ببرد و از سطح آسیا فراتر بروند. از الان نمی‌توان برای رسیدن به قهرمانی ششم صحبت کرد و معلوم نیست در فصل نقل و انتقالات چه اتفاقی می‌افتد. وضعیت تیم‌های دیگر نیز اهمیت دارد. اختلاف امتیاز سپاهان با پرسپولیس فقط ۲ امتیاز بود و با یک تحول کوچک می‌تواند پرسپولیس را بگیرد. پس خطری برای تیم قهرمان وجود دارد و باید منتظر تغییر و تحولات تیم‌های مدعی باشیم. با اینکه ورود خارجی‌ها آزاد شده ولی باتوجه به وضعیت کرونا، بدهی باشگاه‌ها و شکایت‌های متعدد بین‌المللی بعید است که بازیکنان درجه یک خارجی به فوتبال ما بپیاید.

برگزاری بازی‌ها بدون تماشاگر در عملکرد تیم‌ها و کاهش جذابیت مسابقات تأثیری داشته است؟

قبلاً می‌گفتند فوتبال بدون تماشاگر یعنی هیچ ولی به همه دنیا ثابت شد که فوتبال بدون تماشاگر هم ممکن است. نه رقم قراردادها کاهش یافت، نه بازیکنان به کمتر از چند میلیارد رضایت دادند، نه بازی‌ها تعطیل شد و انسان انعطاف‌پذیر است و خودش را با تلویزیون و پخش مستقیم قانع کرد. ولی خب حضور در ورزشگاه‌ها شور و حال دیگری دارد و بسیار برای انسان شادی‌آور و انرژی‌بخش است. با این وجود عدم حضور تماشاگران تأثیری در کیفیت بازی‌ها نداشت.

امسال شاهد اعتراضات و پرخاشگری‌های زیادی در لیگ برتر بودیم. ورود VAR می‌تواند از شدت اعتراضات بکاهد؟

یک جریان خزنده زیر پوست فوتبال ما وجود دارد و این جریان شناسایی شده است. منتها باید با آن برخورد شود. اگر با این جریان برخورد نشود، اوضاع بدتر از این خواهد شد. اعتراضات و هجمه‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. البته باید منتصف باشیم؛ خیلی از صحنه‌ها ما هم می‌بینیم که داور اشتباه می‌کند ولی سوال اینجاست که چرا یک داور سه صحنه مثل آن بازی را در یک بازی یک جور اشتباه سوت زده است؟ اینگونه رفتارها واقعاً سوال‌برانگیز است. قطعاً اگر VAR داشتیم، اشتباهات کمتر می‌شد. با آمدن VAR حداقل ۹۰ درصد از سلیقه‌ای سوت زدن، بازی را با سوت درآوردن و پرخاش داوران نسبت به بازیکنان کاهش پیدا می‌کند.

با سطح اول فوتبال کشور جمع می‌کردند اما بی‌کفایتی مدیریتی بدون شک در انتخاب تیم سقوط‌کننده نقش مؤثری داشت. تکلیف ماشین‌سازی خیلی زود روشن شد. تیم باسابقه تبریزی نتوانست نتایج خود را مدیریت کند و دست آخر نیز باوجود ایجاد تغییرات اساسی در کادر فنی با لیگ برتر وداع کرد. مسیری که ذوب آهن نیز در پیش گرفته بود. تیم باسابقه‌ای که بارها و بارها عنوان نائب‌قهرمانی لیگ برتر را از آن خود کرده بود و سابقه حضور در لیگ قهرمانان را هم داشت اما حتی ریشه‌دار بودن آن نیز باعث نشد تا نگاه مدیریتی به نماینده سبزپوش اصفهان به گونه‌ای باشد که این تیم هفته‌ها در جمع فانوس به دستان به سر نبرد. البته که نساجی مازندران و نفت مسجد سلیمان نیز در این شب تار قرار گرفته بودند اما دست آخر این تیم با سابقه سایپا که تجربه قهرمانی در لیگ برتر را هم دارد به دلیل فاضل گل کمتر نسبت به ذوبی‌های اصفهانی بود که راهی لیگ یک شد! سرنوشتی که می‌توانست بقه ذوب‌آهن را نیز بگیرد. سرنوشتی که پیش از رقم خوردن نتایج در زمین بازی نحوه مدیریت آقایان بود آن را رقم زد. مدیریتی که مرتبه بعد می‌تواند تیم‌هایی چون ذوب آهن، نفت مسجد سلیمان یا حتی نساجی مازندران را در راهی بدرقه کند که این فصل سایپا را روانه کرد!

فضاوت‌های پر سر و صدا

در لابه‌لای حاشیه‌های جنجالی این فصل نحوه فضاوت داوران نیز سهم پررنگی داشت. با توجه به عدم نظارت در انتخاب داوران و گزینش آنها لیگ بیستم شاهد اشتباهات فاحشی بود که بارها و بارها جنجال آفرین شد. داوری‌های پر اشتباهی که بحث تبانی و شرط‌بندی در فوتبال ایران را بار دیگر بر سر زبان‌ها انداخت. خصوصاً که اتفاقات رقم خورده در یک بازی صدای یکی از مربیان لیگ را نیز درآورد. داستانی که اگرچه به درازا نکشید اما نشان داد شایعات مطرح شده پر بیراه نیست. با این وجود اما بدون شد کمینه داوران پر حرف و حدیث داوران نیز به این مسئله دامن زد. به طوری که بارها و بارها صدای اعتراض مربیان درآدم‌اسانه اعتراض‌اره به جایی برد و نه تصمیمات عجیب و غریب داوران که از جمله آن گرفتن پنج پالتی تنها در یک بازی بود و باعث شد کمینه داوران دقت بیشتری به چیدمان‌های داوری داشته باشد. به طوری که فدراسیون فوتبال برای پایان دادن به این داستان‌ها بحث استفاده از VAR را به میان کشید.

نگاه

ترمز ولنگاری مالی

باشگاه‌ها را بکشید

سعید احمدیان

پرونده لیگ بیستم فوتبال در شرایطی هشتم مرداد بسته شد که گردش مالی و نظارت بر هزینه‌های باشگاه‌های یکی از مهم‌ترین فاکتورهای است که کمتر مورد توجه تصمیم‌گیرندگان فوتبال و نهادهای نظارتی قرار گرفته است، به طوری که برخلاف چند مصوبه محدود با عنوان «سقف قرارداد» در رابطه با کنترل رقم قراردادها که البته دو سال بیشتر پا برجا نماند، در دو دهه‌ای که از برگزاری لیگ می‌گذرد، درباره میزان هزینه و درآمد باشگاه‌ها و منابعی که بودجه‌ها به آنها اختصاص می‌یابد، کمترین شفاف‌سازی را شاهد بوده‌ایم.

چنین رویکردی در برابر مسائل مالی لیگ برتر که گردش مالی آن به سالانه چند هزار میلیارد می‌رسد، زمینه ولنگاری مالی را در باشگاه ایجاد کرده و این معضل همواره یکی از مسائل مبهم در تحقیق و تفحص و گزارش‌های محدودی بوده است که برخی دستگاه‌های نظارتی مانند مجلس تهیه کرده‌اند. گزارش‌هایی که برخلاف سروسوودی تهیه‌کنندگان آن به نظر می‌رسد بیشتر جنبه نمایشی داشته و سبب نشده است که با مدیران متخلف در حوزه مالی فوتبال برخورد شود.

ولنگاری مالی در فوتبال باشگاهی و به خصوص در تیم‌های لیگ برتر در حالی است که اکثر باشگاه‌ها از بودجه عمومی کشور و دولتی که مستقیم از بیت‌المال پرداخت می‌شود، استفاده می‌کنند و دولت به‌رغم منع قانونی هزینه در ورزش حرفه‌ای، هر سال که می‌گذرد پول‌پاشی گسترده‌تری را برای تیم‌های زیرمجموعه‌اش انجام می‌دهد. این گشاده‌دستی دولتی‌ها از بیت‌المال برای فوتبال باشگاهی در تیم‌های صنعتی که مانند دیگر تیم‌های دولتی مثل استقلال و پرسپولیس بر کلون توجهات نیستند بیش‌تر دیده‌می‌شود

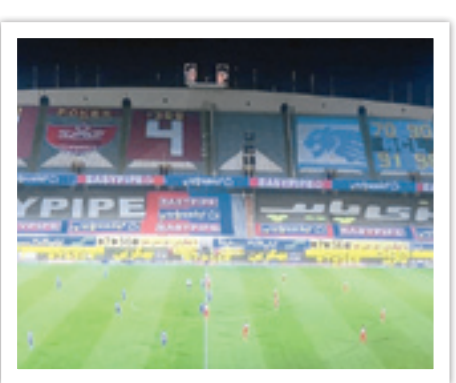
با وجود هزینه‌های نجومی دولتی‌ها در فوتبال حرفه‌ای که نمونه عینی آن را در دوره لیگ برتر شاهد هستیم، اما در پایان هر دوره لیگ برتر، شفاف‌سازی مالی حلقه مفقوده باشگاه‌هاست. کم‌توجهی به این مسئله که در فوتبال جهان به عنوان یکی از فاکتورهای اولیه یک باشگاه برای حضور در لیگ‌ها در نظر گرفته می‌شود، سبب شده تا علاوه بر به وجود آوردن فساد و سوءاستفاده‌های مالی، صف بدهکاران باشگاه‌ها در پایان هر دوره لیگ طولانی‌تر شود و بدهی‌های انباشته یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی باشد که مدیران باشگاه‌ها با آن درگیر هستند

فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ هم به عنوان مجری برگزاری لیگ برتر، همواره در ۲۰ دوره‌ای که از لیگ می‌گذرد، راه تسامح و تساهل را در برابر باشگاه‌های بدهکار در پیش گرفته‌اند و سلامت مالی از کمترین درجه اهمیت برای متولیان فوتبال برخوردار بوده است؛ مسئله‌ای که سبب شده تا فوتبال تبدیل به یک حیاط خلوت برای دلالان، مدیران و مربیان فاسد شود و فساد در این رشته با توجه به ولنگاری مالی که وجود دارد، در هر دوره که از لیگ می‌گذرد، گسترده‌تر می‌شود

این در شرایطی است که به عنوان نمونه در فوتبال اروپا، قانون فیربلی مالی برای باشگاه‌هایی که در لیگ‌های اروپایی شرکت می‌کنند، وضع شده است؛ قانونی که اجازه نمی‌دهد باشگاه‌ها بیشتر از درآمدشان هزینه کنند و بر اساس آن باشگاه‌ها نباید هیچ گونه بدهی با حساب عقب مانده‌ای داشته باشند. آنها نه به بازیکنان، نه به کادر تیم نمی‌توانند بدهکار باشند و مالیات و دیگر موارد مالی از این قبیل نیز باید کامل پرداخت شده‌باشد

فوتبال باشگاهی ایران هم باید به این سمت برود و شرایط سخت و سخت در فوتبال جهان برای حضور باشگاه‌ها در لیگ، می‌تواند سرلوحه برگزار کنندگان لیگ در ایران قرار بگیرد؛ قوانینی که وضع آن به شفاف‌سازی، ارتقای سلامت مالی فوتبال و کاهش فساد کمک زیادی می‌کند و سبب می‌شود تا هر باشگاه به اندازه درآمدهش هزینه کند و یا به پایان رسیدن لیگ، حساب بازیکنان صاف و بدهی برجا نماند.

بازتاب



سوغات تلخ کرونا

برای لیگ برتر

مانی سعیدی

سوت و کور و خالی، حکایت استادبوم‌های فوتبال در لیگ بیستم بود که در یک سال و نیم گذشته حتی یک تماشاگر را هم به خودشان ندیده‌اند، همانطور که بازی‌های پایانی لیگ نیز دهم بدون تماشاگر برگزار شد، در لیگ بیستم هم با توجه به ادامه پاندمی کرونا، هیچ هواداری اجازه ورود به استادبوم‌ها را پیدا نکرد تا فوتبال باشگاهی بیشتر از همیشه دلنتگی ورزشگاه‌هایی شود که با حضور تماشاگران به گشته یکی از گزارشگران تبدیل به یک غوغاگده می‌شد و هیجان مسابقه را بالاتر از هر زمانی می‌برد. ویروس کرونا اما سکوهای خالی در دوره جدید را در طول حیاتشان تجربه کنند، تجربه‌بازی در غیاب هوادارانی که در خیلی از مواقع تحریک‌کننده تیم‌هایشان برای برد بودند اما در لیگ بیستمسجی آنها خالی مانده بسود تا تیم‌ها یک تجربه سخت را پشت سر بگذارند و در سکوت استادبوم‌ها مسابقاتشان را برگزار کنند؛ اتفاقی که خیلی‌ها امیدوارند در لیگ بیست‌ویکم ادامه پیدا نکند و در فصل جدید در استادبوم‌ها با آرام گرفتن کرونا و شدت گرفتن واکسیناسیون به روی هواداران باز شود. تماشاگرانی که دلنگتر از همیشه برای نشستن دوباره روی سکوا لحظه‌شماری می‌کنند.